

## بازشناسی تاریخ محلی سوادکوه: مطالعه موردی حمام‌های عمومی

مصطفی ندیم، تقی لطیفی شیردار\*

دکترای تخصصی دانشگاه شیراز، دانشجوی دکترا دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: (۹۴/۰۷/۰۳) تاریخ پذیرش: (۹۴/۱۰/۰۹)

### Savadkooch local historical recognition Case Study: Public Bath

Mostafa Nadim, Taghi Latifi Shirdar\*

Ph.D of Shiraz University, Ph.D Student of Shiraz University

Received: (2015/09/25)

Accepted: (2015/12/30)

#### Abstract

Research in social history is very important for applying historical research. Local histories help to clarify civil life, cultural heritage and civilization. As a part of Iranian architectural heritage and its social and cultural achievements, public baths would be important for studying the social and local history of Iran and finding the Iranians' cultural and moral traditions. This study is based on a cross-sectional method. Relying on the library resources and using field study and oral narrations, this study tries to seek an answer for this question that how the architecture, customs and social functions of the public baths was in Savadkooch? According to research findings, in addition to providing Hygiene and Public Health, public baths play significant roles in cooperation, communication, exchanging information, increasing awareness of rural people, sociability, understanding the social and class divisions, considering religious practice such as prayers, property, land and inheritance disputes, telling memories and transferring experience to the next generations of village, performing traditional and folk music and singing, and the persistence of social and cultural customs and traditions. The geography and climate of the region affected on the architecture style and the materials used in the construction of the baths. At the beginning of the Pahlavi era, domestic baths were replaced by large public baths and this change caused the social function of baths in the rural life of Savadkooch.

**Keywords:** Public baths, village, Savadkooch, Local history, Architecture, Pahlavid.

#### چکیده

پژوهش در تاریخ اجتماعی برای کاربردی کردن پژوهش‌های تاریخی اهمیت شایانی یافته است. تاریخ‌های محلی در این مطالعات اجتماعی، به روشن نمودن نمون حیات مدنی و میراث‌های فرهنگی و تمدنی کمک شایانی کرده‌اند. حمام‌های عمومی، به عنوان یکی از میراث‌های معماری ایران، و دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی آن، برای پژوهش در تاریخ اجتماعی و محلی ایران، و یافتن آداب و سنن فرهنگی و اخلاقی ایرانیان، بسیار مهم است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از شیوه میدانی و روایات شفاهی، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که معماری و آداب و کارکردهای اجتماعی حمام‌های عمومی در سوادکوه چگونه بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که علاوه بر تأمین بهداشت و سلامت عمومی، حمام‌ها در تعاون، معاشرت مردم، تبادل اطلاعات و افزایش آگاهی‌های اقشار روستایی، جامعه‌پذیری، آشنایی با شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی، توجه به فرایض دینی مانند نماز، بروز اختلافات ملکی و ارضی و ارثی، خاطره‌گویی و انتقال تجربیات به نسل‌های پسین روستا، ارائه موسیقی اصیل سنتی منطقه و آوازخوانی، و تداوم سنت‌ها و آداب اجتماعی و فرهنگی منطقه تأثیر به‌سزایی داشته است. در حوزه معماری، حمام‌ها، تحت تأثیر جغرافیا و اقلیم منطقه قرار داشته است هم از جهت سبک معماری، و هم از جهت مصالح و مواد اولیه. در آغاز دوره پهلوی، حمام‌های خانگی جای خود را به حمام‌های بزرگ و عمومی داد. این تغییر، موجب کارکرد اجتماعی حمام‌ها در حیات روستایی سوادکوه شد.

**واژه‌های کلیدی:** حمام‌های عمومی، روستا، سوادکوه، تاریخ محلی، معماری، پهلوی.

## پیشینه تاریخی

تاریخ حیات انسان گویای آن است که همزمان با مسئله معیشت و تهیه خوراک و پوشاک و مسکن، بهداشت و نظافت شکل گرفت. انسان در پناه کوه و دره، کنار رودخانه و برکه، در گوشه چادر و خیمه شستشو و استحمام را انجام می‌داده است. پژوهش‌های مردم‌شناسی در مورد جوامع ابتدایی و سیر تکامل آن، که عمدتاً در قرون نوزدهم و بیستم میلادی انجام شد، شواهد زیادی از آن را عرضه کرده است. لذا گرمابه در تاریخ مشرق و مغرب زمین حیات دیرپایی دارد. از این‌رو، پیرامون گرمابه رفتن و چگونگی شستشو و رعایت نکات بهداشتی در کتب تاریخی و متون دینی و اجتماعی دستورهای فراوان ذکر شده است. (غزالی طوسی، بی‌تا: ۱۳۲؛ قابوس بن وشمگیر، ۱۳۶۸: ۸۸-۸۹؛ کریم خان کرمانی، بی‌تا: ۱۱۹-۱۱۸). علاوه بر دستورهای گرمابه رفتن، در ادیان در مورد آئین نظافت و حمام اصولی ذکر شده است. استحمام از نظر دینی، قومی و اعتقادی و بهداشتی دارای مراحل است و در بسیاری از کتاب‌های فقهی و تربیتی ادیان فصل‌هایی در آداب و ممنوعیت‌ها و منکرات حمام آمده است. در آیین بودا، در روزهای مذهبی، غسل کردن در آب رودخانه مقدس گنگ واجب شناخته شده است (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۳). در کیش زردشتی برای پاک‌ی تن و روان چند گونه زدودن ناپاکی و پلشتی یاد گردیده است که دیرباز زردشتیان به دقت آن را انجام داده‌اند. (سروش سروشیان، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۸) در آیین یهود هم که در روزهای شنبه و دوشنبه و پنج شنبه در معبد جمع می‌شوند و نیز در مراسم آوردن تورات فرد باید پاکیزه باشد و با این شرط نماز بگذارد (گنجینه نمود، ترجمه فریدون گرگانی) در اسلام، در دستورات و احکام دینی نظافت و استحمام با توضیح غسل توصیه شده است و آداب آن به تفصیل و دقت بیان شده است (مجلسی، بی‌تا: ۱۲۵-۱۱۵). در تاریخ مغرب‌زمین، در تمدن یونانی هم پیرامون گرمابه رفتن و آداب آن دستورهایی بیان شده است. در کتاب سرالاسرار، منسوب به ارسطو که برای اسکندر نوشته شده است، به تفصیل در مورد آداب حمام و ساختمان آن سخن گفته شده است (سرالاسرار، ۱۹۵۴ به

نقل از: دانش پژوه: ۱۰۶-۱۰۵).

بین حمام شرق با حمام مغرب از نظر صحتی و رفع خستگی فرق‌نمایی موجود است. حمام مزبور محلی است که مردم می‌توانستند در آنجا یکدیگر را ملاقات کنند و باهم مشغول صحبت شوند و آن در طرز معاشرت اهل مشرق نظیر حمام رومیان قدیم عاملی موثر بود، نقشه حمام‌ها در همه جا یکی است و تفاوتی که وجود دارد فقط در آرایش و تزیین قسمت بیرونی آن می‌باشد. این گزارش اروپائیان از حمام‌های شرق است. تمدن‌شناسی فرانسوی جزئیاتی از حمام‌های مشرق زمین را ارائه می‌دهد: آبی است از مرمر دارای فواره در آنجا شخص وارد برهنه شده لنگی به خود می‌پیچد و داخل حجره دیگری می‌شود که درجه حرارت آن به پنجاه بالغ می‌گردد. اینجا روی فرش از مرمر خوابیده یک نفر او را مشت و مال می‌کند و بعد به محل ثالثی رفته بعد از کیسه کشیدن با آب معتدل خود را پاک و پاکیزه نموده پس از فراغت به محل اول بر- می‌گردد و بالنگ و قطیفه خود را خشک کرده قدری استراحت می‌کند و بعد به‌صرف قهوه و قلیان مشغول می‌شود واقعاً برای رفع خستگی و درآمدن از کسالت وسیله‌ای بهتر از این حمام نیست و کاش در شهرهای معظم اروپا هم چنین حمامی داشت (گوستاولوبون: ۴۶۸-۴۶۹).

در تمدن ایرانی از دیرباز بنیاد نهادن و استفاده از گرمابه مانند بسیاری از ابزارها و پیشه‌ها چون کشاورزی، پارچه‌بافی، استفاده از آهن، خشت مال، خانه‌سازی رواج داشته است.

در متون ادبی و حماسی ایران گرمابه منسوب به جمشید فرزند تهمورث پادشاه پیشدادی است:  
گرانمایه جمشید فرزند اوی  
کمریسته و دل پراز پنبه اوی  
بفرمود دیوان ناپاک را  
به آب اندرآمیختن خاک را  
هر آنچ از گل آمد، چو بشناختند  
سیک خشت را کالبد ساختند  
به سنگ و به گچ، دیو دیوار کرد  
نخست از برش هندسی کار کرد  
چو گرمابه و کاخ‌های بلند

چو ایوان که باشد پناه از گزند

(فردوسی، ۱۳۶۳: ۲۶-۲۵)

در دوران اسلامی، منابع تاریخی و ادبی، آداب و دستورهای گرمابه رفتن را به تفصیل ذکر کرده‌اند.

مؤلف *کیمیای سعادت*، سنت‌های واجب در استحمام و تأثیرات طبی آن و منکرات گرمابه را به تفصیل آورده است (غزالی طوسی، بی‌تا: ۱۳۲). در *قابوس‌نامه* هم دستورهای گرمابه رفتن و نفع و ضرر آن بیان شده است (قابوس بن وشمگیر، ۱۳۶۸: ۸۹-۸۸). مؤلف *مجمع الرسائل*، بنای حمام را به حضرت سلیمان می‌رساند و شیوه اعتدال در حمام را بیان می‌کند (کریم خان کرمانی، بی‌تا: ۱۱۹-۱۱۸).

در دوران اسلامی، حمام‌های عمومی از نظر بنا و آب-رسانی و روشنایی و دیگر موارد ساختمانی، به رغم ویژگی‌های انحصاری، مشترکات فراوانی داشته اند (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۳۶-۲۷). برخی حمام‌های عمومی از بناهای موقوفه بودند. انواع وسیله‌های مربوط به حمام برای زنان و مردان تفاوت داشت (همان: ۳۲). مجموعه‌ای از کارکنان داشت که وظایف متفاوت داشتند (نجمی، ۱۳۴۸: ۶۱-۵۹؛ شهری، ۱۳۵۷: ۵۵۲-۴۷۰). از سوی دیگر حمام‌ها، محلی بودند که همه مردم از طبقات گوناگون در آن اجتماع کردند. خبررسانی، محل درس (ابی‌الخیر، ۱۳۸۱: ۱۱۵-۱۱۲)، درمان و معالجه (عروضی سمرقندی، بی‌تا: ۷۶-۷۴)، قتل (مرعشی، بی‌تا: ۱۹۲-۱۹۱؛ *دایرة المعارف مصاحب*، ۲۵۳/۱)، آشتی و مصالحه (نظام السلطنه، ۱۳۶۱: ۷۹). در حمام‌ها شکل گرفت.

نکته پایانی اینکه در دوران اسلامی ایران، حمام‌های عمومی تحت تأثیر جغرافیا و اقلیم هر منطقه بنا گردید. نواحی مرتفع و کوهستانی غربی و شمال ایران از نظر معماری با سبک معماری حمام‌های جنوبی متفاوت بود. ایالات شمالی به دلیل جنگلی بودن و وفور منابع آبی و بارندگی دارای معماری خاصی در ساختن بناهای عمومی بودند. حمام‌ها در میراث معماری نواحی شمال ایران از جغرافیا و اقلیم شمال تأثیر پذیرفتند.

### حمام‌های عمومی در سوادکوه

سوادکوه منطقه‌ای جنگلی و مرتفع است که در دامنه

سلسله جبال البرز مرکزی واقع گردیده و تقریباً دشتی است که پیرامونش را ارتفاعات البرز مرکزی با جنگل‌های مترکم دربرگرفته و رود بزرگ بابل رود که از ارتفاعات سوادکوه سرچشمه می‌گیرد از آن عبور می‌کند (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۳: ۷۳). اراضی آن را با انهار کوچک و بزرگ دیگر سیراب و مشروب ساخته و بعد از درنوردیدن منطقه به شهرستان بابل در شمال رسیده و به حوضه آبریزش دریای خزر می‌ریزد، به وجود این برکت الهی به همراه دیگر موهبت‌های طبیعی و خدادادی نظیر جنگل و اراضی حاصلخیز باعث تشویق و ترغیب طوایف کوچ‌نشین دامپرور جهت سکنی در منطقه گردید.

طوایف کوچ‌نشین بنا به علل فوق به زندگی یکجانشینی و کشاورزی روی آوردند و مصدر ایجاد تمدن در منطقه گردیدند.

اهالی سوادکوه در زمینه تأمین منابع آبی به موجب فراوانی آب با فقر مواجه نبودند، بهره‌گیری آب‌ها از مجاری گوناگون صورت می‌پذیرفت از جمله آب باران، چشمه‌سارهای دائمی فراوان، رودخانه‌های بزرگ و یا رودهای کوچکتری همانند پستل (سنبل رود) موز و کوچک بوده است. زندگی آنها به مانند دیگر مردم بسته به آب بود لکن به مراتب بیشتر از سایرین چون نوع زراعتشان که شالیزاری بوده و یا اراضی خشک‌زاری اعم از مرکبات، صیفی‌جات هم برای باروری نیاز فراوان به آب داشتند در ارتباط با استحمام و تمیزی همه خانواده‌ها مشکل کم آبی نداشتند چون آب مصرفی با ظروف مسین افتو<sup>۱</sup>، شیردون<sup>۲</sup>، لوه<sup>۳</sup> از رودخانه نزدیک روستا تأمین می‌گردید. یا به طریق دیگری از چلو<sup>۴</sup> یا چشمه یا آب باران برای مقصود تأمین می‌شد و اشخاص آب‌ها را پس از جوشاندن در ظروف فوق‌الذکر همراه با ظرف پر از آب سرد که ذوآب جوشیده و خنک را در ظرف بزرگ‌تر

۱. افتو: ظرف آبی که از جنس مس بوده معمولاً گنجایش ۶ لیتر یا ۷ لیتر آب را داشت و نصفش به سمت بالا تنگ بوده و نصف دیگر به سمت پائین گشاد و دسته‌ای یک‌طرفه داشته و در وسط افتو معمولاً سر افتوها لاله دار بود.

۲. شیردون: وسیله‌ای از جنس مس معمولاً گنجایشی ۴ الی ۵ لیتر آب را داشت و سرش لوله‌ای پهن به یک سمت بود.

۳. لوه: دیگ مسی

۴. چلو: چاه با عمق حداکثر ۱۰ متر

بوده و سنگ داغ را داخل آب می‌انداختند و آب که جوش می‌آمد شخص بیمار روماتیسمی در آن می‌نشست و درمان می‌شد. فراوان اتفاق می‌افتاد در هنگام استحمام مردم به علت کمبود آب گرم، که خودش با زحمات زیاد تأمین می‌شد، هتاکی از سوی حمامی به مردم صورت می‌گرفت. در واقع این امر بدین معنی بود که حمام سه نوبته بود نوبت صبح، نوبت بعدازظهر، نوبت نصف شب. نوبت صبح از ساعت ۷ صبح آغاز می‌شد تا ۱ عصر و متعلق به خانم‌ها بود و با نیم ساعت تأخیر و شستشو نوبت بعدازظهر آغاز می‌شد که متعلق به مردهای آبادی بود، نوبت نصف شب از ۱ شب آغاز می‌شد تا ۵ صبح. معمولاً برای شستشوی سر و بدن از آب خاکستر هیزم (کهلن) استفاده می‌کردند. همان‌طور که برای شستن ظروف و براق نمودن آن از کهلن استفاده می‌شد یعنی کهلن را در منزل داخل یک ظرف مسی که در آن آب داغ می‌ریختند مخلوط می‌کردند و با خود به حمام می‌بردند. در داخل حمام، یعنی نشیمن، یک بام کوچک دیگری یعنی در اطراف بام بزرگ که با روشنایی‌ای که از مرکز بام از راه منفذی به داخل حمام می‌رسید در آنجا مردها و زن‌های بالغ نظافت را بجا می‌آوردند.<sup>۵</sup>

وسایل مورد استفاده در حمام کهلن، سرشور گل، حنا، سنگ پا و کیسه بود. حنا را برای تقویت پوست دست و پا و خنک کردن سر و سرشور گل هم برای درد سر استفاده می‌شد.

بعد از اتمام کار استحمام، بزرگ‌ترها اگر غسلی در ذمه داشتند بجای می‌آوردند سپس بچه‌ها را آب کشیده و برای پوشیدن لباس به رختکن هدایت می‌کردند معمولاً لباس‌ها را در پارچه‌ای چهارگوش ۲ متر سفید گلدوزی شده که می‌بستند که به آن سارق<sup>۶</sup> می‌گفتند: آن‌گاه لباس تمیز را پوشیده و لباس کثیف را داخل همان سارق می‌بستند و برای شستشو به منزل می‌بردند.

## سنت‌ها و آداب

رسوم و آداب متداول در حمام‌های منطقه سوادکوه، برپایی

دیگری قاطی می‌نمودند یعنی ولونگ<sup>۱</sup> می‌کردند سپس در مکانی به نام تن شورون<sup>۲</sup> استفاده می‌نمودند.

## آداب حمام‌های عمومی

### تن شورون

اطاقکی به مساحت ۳×۲ متر که چوب و با شاخه‌های درختان پهن برگ و زبر با چوب و گل (لاردایی) در پشت منزل مسکونی و چسبیده به تراس پشت منزل ایجاد می‌شده و با یک کنده کاری جزء این فاضلاب از بیخ دیوار به بیرون در مخزن هدایت می‌شده یا غالباً روی زمین پخش می‌شده و فرو می‌رفت. آب را در دیگ‌های کهنه و مسی به جوش می‌آوردند سپس با آب سرد ولرم کرده و آن‌گاه مصرف می‌نمودند و این استحمام معمولاً هفته‌ای یک‌بار یا ده روز یک‌بار صورت می‌پذیرفت. استحمام در فصل زمستان با روشن کردن آتش در گوشه‌ای از حمام، اطاقک را گرم نگه می‌داشتند. همه اعضاء خانواده استحمام‌شان در این اطاقک انجام می‌گرفت. در فصل گرم سال ذکور در رودخانه های کوچک وسط یا اطراف آبادی جایی را گود می‌کردند و اوزی<sup>۳</sup> می‌کردند و از این طریق استحمام‌شان انجام می‌شد لکن اوناث، همچنان، در همان اتاقک‌های داخل خانه حمام می‌کردند. هر از چند سالی این اتاقک‌ها، چون از جنس گل و چوب بودند تخریب و مجدداً نوسازی می‌شدند و درب‌هایی معمولاً به آن تعبیه نمی‌نمودند بلکه با آویزان کردن کوب<sup>۴</sup> می‌پوشانیدند.

به تدریج در اواخر عصر قاجار و با روی کار آمدن پهلوی اول، احداث حمام‌های بام‌دار با مساحت بزرگ جای حمام‌های خانگی را در آبادی‌های بابل کنار گرفت (لطیفی شیردار، ۱۳۹۱، ۲۵).

## آب و وسایل شستشو

معمولاً آب معدنی برای دردهای روماتیسم و استخوان مفید

۱. ولونک: آب ولرم

۲. تن شورون: حمام خانگی از جنس چوب و گل یا شاخ و برگ درختان یا

شیروانی چوب یا ساقه برنج

۳. اوزی: آب تنی

۴. کوب: حصیر

۵. نقل قول از احمد عابدی ۸۵ ساله

۶. سارق: بقچه لباس

خاک‌برداری می‌کردند تا بتوانند فرو بردن تقریباً نصف حمام در دل زمین حرارتش را حفظ نمایند جنس مصالح از خشت و ساروج بوده، جدای از سازه‌ها، در این حمام‌ها از کاشی و موزائیک‌کاری نشانی نبود بعدها در زمان پهلوی دوم به‌وسیله موزائیک و کاشیکاری‌های نامرغوب و سیستم لوله‌کشی و دوش‌گذاری این حمام‌ها نوسازی شدند (همت کرمانی، ۱۳۵۰: ۳۷۴-۳۷۳).

### سیستم فاضلاب

از آنجایی که این نوع حمام‌ها در دل زمین احداث می‌شود سعی بر این بود که در مجاورت دره باشد. عمق شیار آن دره قدری پائین‌تر از حمامی بود که تا ۲/۵ متر در دل زمین قرار داشت تا بتواند به راحتی فاضلات را از طریق کانالهایی که به صورت شبکه‌ای بود به دره هدایت کند و آن‌گاه از طرق دره به رودخانه بزرگ سرازیر می‌شدند.

بعد از آنجا نمایی برای احداث حمام با مشخصات مذکور ساختمان حمام احداث می‌شد و با مصالحی از قبیل خشت و ساروج با معماری حیرت‌آور و بدون استفاده از کوچک‌ترین ابزار نگهدارنده بام‌هایی سنگین به قطر ۸ متر را بر پا می‌کردند که سالیان متمادی هم دوام داشت.

### حوضچه

ابتدای ورودی حمام، رختکن بود که به وسیله عبور از چند پله تاریک زیر رختکن قرار می‌گرفت. که چند سکوی مخصوص در آوردن لباس (رختکن) که حوض آب سرد در وسط آن قرار داشت قابل رویت بود. آبی بسیار سرد و زلال که بعد از استحمام و هنگام استحمام برای خنک شدن مردم جاری می‌شد. آبی به سر و رو می‌زدند و از آب گوارا آن رفع عطش می‌کردند. مردم بعد از این رختکن ۵۰ متری به یک دالان تو در تو که در وسط‌های این دالان سرویس بهداشتی تک چشمه وجود داشت به‌سوی نشیمن حمام که جای استحمام با آب داغ بود، هدایت می‌شدند. این نقطه از حمام هم بام وسیع‌تر و هم فضای بیشتری در زیر این بام وجود داشت. آب حمام توسط حمومی (اداره کننده حمام) گرم و آماده استفاده می‌شد. این شخص به اتفاق زن و فرزندان با تهیه هیزم از جنگل‌های پیرامون آبادی آب خزان را گرم می‌کردند، خزانه هم به این شکل

عروس حمام، دامادی حمام، ده حمام، سی و چهل زدن بوده است. معمولاً دامادهای ده قبل از پوشیدن لباس حمام همراه با سرمچی<sup>۱</sup> به حمام می‌رفتند و قبل از عزیمت به حمام، در خانه سر و روی وی به دست شخصی که داماد پر<sup>۲</sup> نام داشت اصلاح می‌شد. عروس‌ها معمولاً شب قبل از عروس همراه با دوستان به حمام ده می‌رفتند و با کمک شخصی بنام "عاروس مار"<sup>۳</sup> وظایف یک زن متأهل به آن‌ها آموزش داده می‌شد طبق سنت روستا حمام آن روز و آن شب برای عموم تعطیل بود.

در ده حموم که زن زایمان کرده به همراه نوزاد و اطرافیان به حمام می‌رفت و آن روز را جشن می‌گرفتند و سور می‌دادند و به ترتیب ۳۰ و ۴۰ روز با تاس مخصوص برنجی ایضاً به حمام می‌رفت و یک نفر سی‌تاس و در چهلمین روز چهل تاس روی او آب می‌ریخت که معروف بود که سی زده و چهل زده است.

سنت دیگری که در روستاهای سوادکوه متداول بود به حمام عرفه معروف بود. یعنی یک روز قبل از تحویل سال عموم اهالی برای استحمام به حمام می‌رفتند و آب نو به تن می‌زدند. در این زمان تمام آب‌های حمام را تخلیه می‌کردند و آب تازه داخل خزانه می‌ریختند و آن را دوباره به جوش می‌آوردند واز آن به عنوان آب نو استفاده می‌کردند. این مسئله در میان روستا جایگاه مهمی داشت و از سنت‌های این منطقه به شمار می‌آید.

### معماری حمام‌ها

این حمام‌ها از جنس خشت و ساروج ساخته می‌شد و تقریباً دارای مساحتی حداکثر ۵۰۰ متر و حداقل ۳۰۰ متر بوده و از بیخ و بن تا انتهای بام به ارتفاع ۶ الی ۷ متر و معمولاً دارای ۳ بام کوچک و بزرگ بوده است. معماران از اهالی منطقه نوای شهرستان آمل بودند. این نوع بنا را معمولاً مجاور چشمه‌ها برپا می‌کردند.

عمقی را که برای آن در نظر می‌گرفتند حداقل ۲/۵ متر در زمین بود یعنی مصالح سرتاسری به عمق ۲/۵ متر

۱. هم سن سال‌ها

۲. پدر داماد

۳. مادر عروس

آمدند ناخودآگاه یک آگاهی محسوب می‌شد زیرا با بنیادی‌ترین مفهوم اقتصادی یعنی «کمیابی منابع و امکانات» آشنا می‌ساخت و اگر این کمبودها غیر طبیعی بود، کودک را با مفهوم «نابرابری» و «تبعیض» آشنا می‌کرد. برخلاف زندگی امروزی که حل نیازمندی‌های افراد با توسل به شیوه‌های پرهزینه و رسمی عملی است، کارکرد حمام عمومی این مزیت را داشت که مرکز یافتن راهکار درباره تنگنای گوناگون زندگی بوده است و مرکزی برای ضرر رسانی به‌شمار می‌آمد (نظامی عروضی سمرقندی، بی‌تا: ۵۱-۴۷).

مثلاً اگر نیاز به اسب برای خرمن‌کوبی و یا نیاز به کارگر روزمزد و یا نیاز به کرگرد روزمرد برای کوچ دامدار و یا نیاز به گوشت و ماست و کره برای آیین‌های جشن عروسی و عزا بود. در نتیجه گفتگوها و بحث‌های حمام‌های عمومی به‌دست می‌آمد. کودک در مواجهه به چنین وضعیتی در می‌یافت که «نیازمندی» بخشی از امور زندگی بوده و همگان همه چیز در اختیار ندارند، انسان و زندگی انسانی نیازمند ارتباطات دوسویه است.

کودک از گفتگوهای مردم در داخل حمام که از اقشار گوناگون بودند، درس‌هایی می‌گرفت، اگر در حمام در صحبت یک دامدار از گرگ، آتش سوزی، دریدن، کمبود علوفه زمستانی و کشمکش ارضی و مرزی با همسایه مفروض در مرتع، سخن به میان می‌آمد برای کودک کارکردهای جامعه‌پذیری زیادی داشته است. زیرا دامنه آگاهی‌های او از زندگی دامدارانه و گزندهای امنیتی و کمبودهای زمستانی افزایش می‌یافت، او می‌آموخت که مقوله‌ای به نام «اختلالات مرزی و ارضی» در زندگی انسان‌ها وجود دارد. اختلاف اگر به شیوه کدخدامنشانه حل و فصل گردد، در ذهن و شخصیت شنونده مفاهیم بنیادین «کدخدامنشی»، «مسالمت آمیز»، «اختلاف»، «مرز و سامان» را وارد می‌نمود، و اگر آن اختلافات به منازعه و کشمکش و زخمی شدن طرفین یا یکی از طرفین منجر می‌شد مفاهیم استوار و همیشگی «کشمکش» «ستیزه» و «زورمندی» «منازعه» را در انبارگاه‌های شخصیتی یا ذهن او وارد می‌کرد و بی‌تردید در آینده از همین روش‌ها برای حل و فصل منازعات سود می‌برد بنابراین، او هستی و زندگی را بین دو محور کشمکش و ستیزش، از

بود که در گوشه‌ای از همان نشیمن، حوضچه‌ای بود که در زیرش دیگ مسی بزرگ بوده و آب آن را با آتش زدن هیزم، که به سختی و مرارت از جنگل روی کول مردان یا سر زنان، به‌صورت پشته (بسته) تهیه می‌شد، گرم می‌کردند و یک نفر از اعضای خانواده حمامی بالای سکوی کنار حوضچه آب گرم می‌نشست و داخل دست شور(تاس) مسی آب می‌ریخت و افراد خود را شستشو می‌دادند. آب مورد استفاده از چشمه تأمین می‌شد با هدایت آب به پای حمام از آنجا آب را به داخل دیگ برای گرم کردن می‌ریختند.

### کارکردهای اجتماعی

گفتگوهای حمام‌های عمومی در بین اقشار آبادی متفاوت بوده است. گاهی توضیح اتفاقات زندگی دامپروری از طریق یک دامپرور موجب آگاهی دیگران درخصوص دشواری‌های زندگی دامداران می‌شد. این آگاهی در نتیجه گفتگوی دامدار با غیرهمتای او بود و از زدن گرگ به گله و دریدن گوسفندان و گاوها خبر می‌داد. اگر چه این امر به ظاهر یک گزاره خبری محض است ولی در واقع شنونده را ناخودآگاه با مفاهیمی چون «گرگ» «گله» «حمله‌ی» و «دریدن» آشنا می‌کرد و به شیوه ناخودآگاه انتقال می‌داد که دست از برداشته‌های آرمانی خود بردارد و به او تفهیم می‌نمود که زندگی دامدارانه با گرگ و دریدن سروکار دارد. در واقع واقعیت‌های محض گریزناپذیر زندگی دامداران را تبیین می‌کرد.

از جمله دستاوردهای دیگر حمام‌های عمومی، مولفه‌ی جامعه‌پذیری بوده است. از جمله جنبه‌های آن شناخت کمبودها یا کاستی‌شناسی بود که می‌شد این نقیصه اجتماعات آن‌روز آبادی‌ها را در اجتماعی بودن حمام عمومی درک کرد، در گفتگوهای رایج در داخل حمام، طرح کمبودهای زندگی در خانواده از تنگنای معیشتی خود و فرزندان از حیث خوراک، پوشاک شنونده‌ای از اهل دل و درد می‌طلبید و به نوعی کاستی‌های اقتصاد خانواده روشنگری می‌شد، همین‌طور کشاورز از کمبود آب شالیزار به دلیل خشک‌سالی و دامدار از کمبود علوفه زمستانی می‌نالید، از آنجایی که علاوه بر روشنگری افکار عمومی، برای اطفال که همراه با والدین خود برای استحمام می‌

گونگون خود را به خانواده پسر نزدیک نماید، خدمت-گذاری در حین استحمام اعم از دلالی، آب ریختن، خوش خدمتی کردن و غیره به مادر و خواهر و خاله و دیگر اقوام پسر، آنها را به خود علاقه‌مند می‌کرد و حتی موعد حمام رفتن آنها را زیر نظر داشت تا حمام رفتن خودش را با آنها هماهنگ کند و زمینه را برای امر مهم ازدواج خود با پسر خانواده مورد نظرش تسهیل نماید.

حمام‌های عمومی روستایی آموزشگاهی برای جوانان بود. آنان آیین جوانمردی را در آن تجربه می‌کردند در حالی که در گرمابه‌های عمومی زنانه و مردانه در شهرها شماری از افراد مزد می‌ستاندند و دلاکی می‌کردند. اما در حمام‌های عمومی روستاها فرهنگ نشأت یافته از رویکرد سودگرایانه و سوداگری‌ها رسوخ و نفوذ نکرد. جوانان برومند روستا ابتدا با مشمت و مال دادن به بزرگ‌ترها یا یکدیگر علاوه بر اینکه زور بازوی خود را به رخ می‌کشیدند و فرصتی برای عرضه خصایل جوانی‌شان پیدا می‌کردند و خستگی‌های ناشی از کارهای روزانه را از تن به‌در می‌کردند. درواقع، به کیسه کشیدن مجانی و داوطلبانه اقدام می‌نمودند. در مقابل اشخاص کهن‌سال، اعم از پیرمردان و پیرزنان، بر خود واجب می‌دانستند که مکنونات قلبی را در پاسداشت خدمات جوان‌ترها به خودشان در قالب دعا و ثنا به زبان می‌آوردند. زیرا جوان‌ها، کیسه کشیدن بر پیرمردها و پیرزن‌ها را نه تنها بر مبنای رویکرد اقتصادی انجام نمی‌دادند بلکه همواره این کار را متأثر از آموزش‌های جوانمردانه و مردانگی، برای کسب رضایت الهی و سفارش‌های پیشوایان معصوم، دال بر تکریم ریش سپیدان انجام می‌دادند. این حالتی از «تعاون» در حمام‌های عمومی بود که بدون هر گونه قرارداد پولی، بر مبنای فرهنگ ناب اسلامی، صورت می‌گرفت و دارای خصوصیتی چون «ایثار»، «فداکاری»، «جوانمردی»، «مردانگی» بود، در این مکان عمومی آموزش‌های هنجاری مثبت شکل می‌گرفت و قشر کودکان درمی‌یافت که «تکریم کهن‌سالان»، «احترام ریش سفیدان» جزو وظایف اصلی یک انسان مسلمان ایرانی است و هنگامی که دعای کهن‌سالان را می‌دیدند - مانند «الهی پیرشوی» «الهی پدری یا مادری بچه‌ها تو بکنی»- با این رفتارشان علاوه بر اینکه غمخواری و روابط اجتماعی عاری از

یک‌سو، و آرامش و تفاهم و سازش، از سوی دیگر، می‌دید در واقع، با این ادراک‌ها یا به عرصه اجتماع می‌گذاشت و آموزه‌های جامعه‌پذیری در داخل حمام تلمذ می‌کرد.

جای برپایی حمام دامادی (داماد حمام) و حمام عروسی (حمام عروس) در حمام‌های عمومی بود سوای از اینکه نظافت قبل از پوشیدن لباس دامادی و عروسی در حمام انجام می‌پذیرفت و در این مراسم نظافت، عده‌ای از دوستان داماد و عروس آنها را همراهی می‌کردند، چون حمام در آبادی یکی بود معمولاً شب را عروس و روز، یعنی قبل از ظهر روز، دامادی داماد را به حمام آبادی می‌بردند، از دستاورد اجتماعی مراسم این بود که کودک وازگان نوینی را در ذهن خویش جای می‌داد و نیز نقشی که خواهی نخواهی در سیمای عروس و داماد در آینده پذیرفته و نقش آفرین آن خواهند شد. واژگانی مانند «ازدواج»، «زندگی مشترک»، «زن»، «مرد» در او نهادینه می‌شد. تشکیل زندگی نوعروس و داماد آموزه‌ای بود که می‌آموخت باید «مستقل» شد و روی پای خود ایستاد و به ناچار نقش‌های پدران مادرانه را بازی کرد. از این رهاورد مفاهیمی چون «استقلال»، «خودانکایی»، «نقش‌های پدران و مادرانه»، «موقتی بودن تجرد ناخودآگاه»، از طریق گرمابه‌های عمومی به جهان ذهنی کودک رسوخ می‌کرد.

حمام‌های عمومی مکانی بود که در گزینش همسر برای فرزندان و برادرها توسط مادرها و خواهرها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. در آنجا بود که معیارهای یک پسر توسط مادر و خواهر در همسر گزینی مورد توجه قرار می‌گرفت. در این مکان ویژگی‌های جسمانی و ظاهری انسان‌ها به طبیعی‌ترین شکل ممکن به نمایش در می‌آمد، چون سلامت جسم در نمایشگاه حمام قابل مشاهده بود جاییکه کوچک‌ترین عیب هم قابل پنهان کردن نبود، لکن قضاوت در مورد سلوک رفتار و کردار و ویژگی‌های درونی به صورت کامل در این مکان عمومی ممکن نبود و در نقطه مقابل اگر دختری علاقه‌مند به وصلت با پسر خانواده‌ای به هر دلیلی اعم از زیبایی، تحصیلات، سرمایه، شغل و مقام جلوه‌گاه بود. حمام‌های عمومی فرصتی بود تا در این جلوه‌گاه بهترین رفتار و کردار مطلوب و طنازی را به نمایش درآورد. فراتر از آن می‌کوشید به شیوه‌های

عمومی را به همراه داشت در نظر می‌گرفتند و هم کارکردهای اجتماعی و اصولی که به غنی شدن فرهنگ عمومی و جامعه پذیری کمک می‌کرد حفظ می‌شد.

اگر چه مسئله فرهنگی در حمام‌ها، برابری انسان‌ها را تداعی می‌کرد اما در این مکان عمومی شکاف طبقاتی و اجتماعی قابل مشاهده بود. وسایل همراه در داخل حمام های عمومی پیام‌هایی را به همراه داشت وسایل مورد استفاده مردم لنگ، تاس، و کیسه و صابون هم از نظر جنس و غیره با هم برابری نداشت و به شیوه ناخودآگاه نابرابری‌های طبقاتی و اجتماعی را به نمایش می‌گذاشت؛ به گونه‌ای که طبقات فرادست روستا از تاس مخصوص از جنس مس و معمولاً با لبه‌های مدور لاله‌ای شکل استفاده می‌کردند. لکن طبقات فرودست یک کاسه‌ای را که فرد برای آب دادن حیوانات، خوراک دادن ماکیان طیور و بدتر و غیر بهداشتی‌تر از آن برای غذاخوری خود بهره‌برداری می‌کرد، به کار می‌بردند. نوباوه‌گان در مواجهه به چنین صحنه‌هایی در زمانی که تجربه اجتماعی شدن را طی می‌کردند با شکاف و نابرابری‌های اجتماعی و ساخت طبقاتی آشنا می‌شد از این رو، در ذهن کنجکاو او سئوالاتی ایجاد می‌شد. از این قبیل اینکه چرا خانواده من در تاسی که حیوانات یا ماکیان در خوراک خوردن از آن استفاده می‌کنند برای انباشت خود استفاده می‌کنند اما دیگر مردمان از یک تاس مخصوص و تمیز استفاده می‌کنند؟ چرا مادر من برای شستن سرو لباس های چرک از خاکستر هیزم‌های سوخته شده (کهلن) استفاده می‌کند ولی دیگران از پودرهای فراوری شده شیمیایی و صابون های خوشبو استفاده می‌کنند؟ چرا پدر من برای کوتاه کردن موی سر من از قیچی دامی (دوآرد) استفاده می‌کند ولی افراد دیگر از ریش‌تراش زیبا برای صورت خود استفاده می‌کنند؟ از این حس کنجکاو و جستجوگری کودک می‌توانست با برخی از معضلات اجتماعی آن روز جامعه آشنا گردد این امر در خود آگاهی او دخالت داشت و کارکردی اجتماعی به نظر می‌رسید. با پیدایش گرمابه‌های خانگی و کاسته شدن از اهمیت مکان‌های عمومی این شکاف‌های اجتماعی نه تنها از بین نرفت بلکه پنهان می‌ماند هر چند عوامل جدیدی خودآگاهی او موثر بود.

در برخی حمام‌های عمومی تسویه حساب‌های

دشمنی و دوری از قهر و کینه را انتقال می‌دادند بلکه اینها آموزه‌هایی بود برای کودکان که از این رفتارهای مطلوب اجتماعی الگوبرداری کنند و بدین‌سان «همبستگی ارزشی-هنجاری یا پیوستگی رفتاری نسل‌ها و، به عبارت دیگر، پیوستگی اجتماعی-تاریخی جامعه در بسته زمان پدید می‌آمد (شعبانی، همان).

فعالیت فرهنگی و اجتماعی دیگری که در حمام‌های عمومی انجام می‌شد اقامه فریضه نماز بود لذا معماران اقدام به طراحی و جانمایی مکانی در درون حمام برای نمازخواندن می‌کردند. این توجه جدی به نماز، به عنوان یک فریضه دینی، در حمام به علت رعایت عامل زمان و مسئله تنگی وقت در اقامه نماز بود، لذا معماران مسلمان قسمتی از حمام را برای اقامه نماز طراحی می‌کردند. مثلاً اگر شخص در حد فاصل اذان صبح یا طلوع خورشید غسل واجب داشت، می‌بایست غسل جنابت می‌کرد تا عذر شرعی برای نماز نداشته باشد. بنابراین با طراحی نمازخانه در حمام عمومی او مجال می‌یافت که هم غسلش را به جا آورد و هم نماز صبح را اقامه کند. اگر چنین مکانی پیش‌بینی نمی‌شد او تنها می‌توانست مقدمه واجب را به جا آورد و خود واجب به تأخیر می‌افتاد. مشاهده فردی که در حمام های عمومی نماز می‌خواند از دیدگاه جامعه‌پذیری حامل پیام‌های تربیتی بود. و نتیجه اینکه حمام عمومی فقط مختص رعایت بهداشت فردی و استحمام نبود بلکه در آنجا بهداشت روحی و معنوی صورت می‌گرفت. با ورود معماری غربی به مشرق زمین، به ویژه قلمرو اسلامی، بتدریج درآبادی‌ها کارکردهای اجتماعی حمام‌های عمومی از بین رفت و آنها را از چرخه تاریخی کنار گذاشت و کارکردهای بهداشت جسمی و روحی را با تغییر سبک معماری از دست داد زیرا در تمدن جدید چنین مراکزی صرفاً احتیاجات بهداشتی را برآورده می‌کرد. کارکردی تک بعدی داشت. تحت تأثیر ورود عناصر تمدن جدید به ایران، معماران ایرانی دوره مشروطه و درروزگار حکومت خاندان پهلوی الگوی معماری را از مغرب زمین اخذ کرده و کوششی برای بومی‌سازی نکردند تا با حفظ ویژگی‌های معماری سنتی، در حمام‌های جدید امور بهداشتی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و از سرایت بیماری‌های پوستی جلوگیری به عمل آید. یعنی هم اصولی که امنیت بهداشت

پیران» اهمیت داشت. موصوف بودن به چنین صفات ارزشمندی برای هر جوانی در روستا یک اصل بود. در سوی دیگر آن، جوانی بود که چند صباحی از آن فضای کهن روستا و سنت جدا شده و به شهر سفر کرده بود و به مشاغلی چون کارگر روزمرد یا کارمندی دون پایه پرداخته بود. این هنجارها برای آنان بی‌معنا یا کم‌معنا شده بود. این دوگانگی ارزشی موجب نزاع نمایندگان سنت-گرایی و تجددگرایی در حمام‌های عمومی در روستا بود این درگیری‌های حمام‌های عمومی شاید به اهمیت تجربه‌های نزاع‌های تاریخی در حمام‌هایی مانند سرخس و فین کاشان نبود ولی نوباوه‌گان روستا را با دنیای خشونت، مشاجرات لفظی، دفاعیات و انگیزه‌های دو سوی درگیر، منازعه، فحاشی، نوگرایی و سنت‌گرایی آشنا کرد و اگر با فرد بازنده ستیز پیوندی داشت انگیزه‌های طرفداری، انتقام و کینه در او نهادینه می‌شد.

انسان در تبیین چیستان‌های اجتماعی در درون حمام-های عمومی فرصت را مغتنم می‌دید به بیان اعمال و افعال خویش در تمام زندگی روستایی می‌پرداخت و نکته اینکه آن را با هیمنه و پرطمطراق و حماسی نقل می‌کرد. چوپان از درگیری با گرگی که به گله‌اش حمله برده بود و از دفاع خود به سبک حماسی سخن می‌گفت. گالش از دل و جرات خود در نیمه شب در دل جنگل‌های متراکم و تاریک روایت می‌کرد، کشاورز از توانایی‌هایش در زراعت و پاسبانی‌های شبانه در برابر جانوران موذی گزارش می‌داد کهن‌سالان به نقل خاطره در نشیمنگاه حمام می‌پرداختند و از رنج و زحمت‌ها در خلال عمر خود و از اجحاف و تعدی‌های ملاکین، کدخدا و مباشر و ژاندارمری سخن می‌راندند. این انبوه تجربیات و بیان آن در حمام‌های عمومی برای جوانان و نوجوانان اثری جامعه‌پذیرانه داشت و افق دید کودکان را گسترش می‌داد. او درمی‌یافت مالک و خان و بیگ به‌عنوان طبقه‌ای ستمگر ثمرات رنج پدران‌شان را به غارت می‌بردند و خاطره‌ای نقل می‌کردند که رعیتی در فلان آبادی برابر بی‌عدالتی خان ایستاده و در دفاع از ناموس و اراضی و دام خود توسط افراد خان به قتل رسیده است. در واقع، کودک در حمام عمومی درس‌های دفاع از حق و ایستادن در برابر ظلم را فرا می‌گرفت و واژه‌هایی مانند مقاومت، ایستادگی، جنگیدن و

خصمانه صورت می‌گرفت. این نزاع‌های اندک را نمی‌توان خصیصه و کارکرد عمومی حمام‌های این دوره به‌شمار آورد. (برای نمونه‌های تاریخی آن مرعشی، بی‌تا: ۱۹۲-۱۹۱، روح الامینی، ۱۳۸۶: ۵۳).

در سطح روستایی تا شهری و سیاسی تا عشیره‌ای بر سر مسائل ناموسی، مالکیتی، اختلافات ارضی، ارثیه و غیر آن شواهدی می‌توان یافت که عامل نزاع در مکان‌های عمومی بوده است. بر اساس گزارش میدانی و تاریخ شفاهی بسیاری از این نزاع‌ها بر سر مسائل فوق‌منجر به ضرب و جرح و حتی قتل شده است و گزارش‌های فراوانی از این دست از سوی راویان نقل می‌شود. این امر در متون تاریخی شواهد فراوانی دارد. به‌طوری که قتل سردار پرآوازه ایرانی، مردآویج زیاری، در گرمابه‌ای عمومی در اصفهان اتفاق افتاد (مرعشی، بی‌تا: ۱۹۲-۱۹۱). مأمون، ولیعهد ایرانی، سهیل سرخسی را در گرمابه‌ای عمومی در سرخس به قتل رساند قتل میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار در یک گرمابه عمومی در فین کاشان به‌وقوع پیوست. برخی جلوه‌ها در حمام‌های عمومی روستا دارای کارکرد اجتماعی مثبت و سازنده‌ای بود که در آن آموزه‌هایی چون جوانمردی و احترام به کهن‌سالان که از ویژگی‌های ارزنده روستا بود، نمود داشته است، اما جلوه‌های نازیبا هم در حمام‌های عمومی دیده می‌شد تغییرات اجتماعی در ایران و تأثیر آن بر روستا هم در حمام‌های عمومی انعکاس می‌یافت مهاجرت روستاییان به شهرها و انتقال به مشاغل اداری و غیر اداری آنان را دچار تغییرات فرهنگی می‌کرد که در زندگی روستا انعکاس می‌یافت. درواقع، جلوه‌های زندگی مدرن شهری و سلوک آنان که با ساخت ارزشی روستا در تعارض بود با زندگی روستا و مکان‌های عمومی آن مانند حمام‌ها تأثیر گذاشت که می‌توان آن را نوعی نزاع سنت و تجدد در روستا قلمداد کرد.

جوانی که متأثر از زندگی شهری آن روزگار بود و احترام و جایگاه مردان و زنان کهن‌سال آبادی را نمی‌دانست در مقابل جوان دیگری که به سنت‌های روستا پای بند نبود قرار می‌گرفت و نسبت به اعمالش معترض و خشمگین می‌شد جوان روستایی پای بند به ارزش‌های کهن بود که در آن «حرمت ریش سفیدان» و «خدمت

مکان‌ها جنبه های گوناگون حیات انسان، اعم از نیازهای جسمی و روحی و روان انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌داد و در فرهنگ روستا نقش مهمی ایفا کرده بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

حمام‌ها در تاریخ تمدن غرب و شرق از پیشینه طولانی برخوردارند. اما در مشرق زمین، کارکردی متفاوت و گسترده‌تر نسبت به غرب داشته‌اند. از این رو در مطالعه تاریخ اجتماعی و حیات مدنی، کمک شایانی به روشن نمودن میراث‌های فرهنگی و تمدنی خواهند کرد. حمام‌ها در تمدن ایرانی تحت تأثیر جغرافیا و اقلیم و ساخت اجتماعی و فرهنگی ایالات و نواحی گوناگون ایران قرار داشته‌اند.

سوادکوه منطقه‌ای جنگلی و مرتفع و متصل به رود بزرگ بابل رود بود. واجد ثروت‌های طبیعی و منابع و فراوانی آب و حاصلخیزی بوده است. لذا حمام‌های منطقه و معماری آن تحت تأثیر اقلیم قرار داشته‌اند. معماران بومی در شمال ایران با استفاده از منابع طبیعی مانند چوب، شاخه‌های درختان پهن برگ و ساقه‌های برنج به ساخت حمام‌های منطقه پرداختند. علاوه بر استفاده از منابع طبیعی و جنگلی منطقه در ساخت بناهای عمومی مانند حمام‌ها، از هیزم و خاکستر آن (کهلن) برای گرم کردن و شستشو استفاده کرده‌اند. حمام‌ها با بهره‌گیری از امتیازات طبیعی منطقه در کنار چشمه‌ها و دره‌ها بنا گردید تا منابع آبی حمام‌ها فراهم شده و سیستم فاضلاب آنها بتواند از دره‌های مجاور استفاده کند. نکته این است که معماری حمام‌ها در سوادکوه تحت تأثیر معماری مناطق بیلاقی آمل بود. زیرا معماران حمام‌های سوادکوه، از مناطق بیلاقی آمل بودند. هر چند، در ابتدا، حمام‌های خانگی مشخصه این منطقه به‌شمار می‌آمد اما، به تدریج، در اواخر دوره قاجاریه و با روی کار آمدن سلسله پهلوی، احداث حمام‌های عمومی جای حمام‌های خصوصی و خانگی را در سوادکوه گرفت. این امر در حیات فرهنگی و اجتماعی روستاهای منطقه تأثیر شگرفی برجای گذاشت.

نکته قابل تأمل در دوران شکل‌گیری حمام‌های عمومی، کارکرد اجتماعی این مکان‌های عمومی است. علاوه بر کارکرد بهداشتی و نقش آن در سلامت عمومی،

احقاق حق در ذهن کودک استوار نقش می‌بست. از سوی دیگر، در فضای آموزش‌های زیبا و نازیبا زندگی در حمام‌های عمومی، جلوه‌های دیگری از حیات دلنشین حمام‌های عمومی تبلور پیدا می‌کرد و آن موسیقی‌های سنتی اصیلی بود که فضای حمام از سوی جوانان خوش‌ذوق و خوش‌صوت شکل می‌گرفت این آوازها در دستگاه‌های گوناگون اعم از چاربداری، دشتی و کتولی پدیدار می‌شد.

از این رو ناگهان حمام به آوازخانه تبدیل می‌شد. محتوای آواز عشق جانسوز به معشوقی بود که در آواز خود را صدرمجلس می‌بیند و می‌نشانند و انعکاس آن در آوازخوانی هم همین است که معشوق در صدر حمام می‌نشیند احساسات گرم برخاسته از شور جوانی در قالب اشعار توده‌ای در فضای گرمابه عمومی طنین‌انداز می‌شد. نوجوانان و نوباوگان با مقوله‌ای به نام «عشق»، «معشوق»، «جدایی»، «کشش» و «آرزوی وصال» در جان خود آشنا می‌شدند. کودک و جوان را با رنج و گرفتاری در زندگی گذشتگان یا زمان حیات خودشان آشنا می‌کرد. با پیدایش تمدن باختر زمین و نفوذ معماری آن در کشورهای در حال توسعه دگرگونی در کارکردهای جامعه-پذیرانه گرمابه‌ها عمومی پدید آمد. گرمابه به درون خانه‌های خصوصی رفت و، بنابراین، آوازخوانی هم شکل نوینی پیدا کرد از سوی دیگر، آوازخانه‌های عمومی در شهرها پدیدار شدند. کارکرد آوازخانه‌ای و آثار تربیتی آن در فضاهای دیگر روستا و شهر تداوم یافت.

مسئله دیگر پوشیدگی و فرهنگ و حجب و حیا بود که دختران حتی در حمام‌های عمومی آن را رعایت می‌کردند از برهنگی در شهر بزرگ‌تر احراز می‌کردند و این ارزش‌های پایدار در فرهنگ روستا به‌شمار می‌آمد (برای برهنگی نک: روح الامینی، ۱۳۸۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۴۶: ۱۴).

همچنین مادران مجرب تجربیات خود را در زمینه بهداشت کودک به تراکم آنان و شیوه مراقبت از او و دوا و پرهیز در تغذیه را به عروس‌ها آموزش می‌دادند و نیز پندهایی برای تکریم خانواده شوهر، برای دوام و قوام زندگی می‌دادند. در واقع، مجموعه‌ای از آموزش‌های اخلاقی- اجتماعی و دینی صورت می‌گرفت. لذا این

در حمام‌های عمومی این منطقه، آموزش‌هایی چون روحیه تعاون، صلح، روابط انسانی و معاشرت با مردم شکل گرفت و سنت‌ها و آداب خاصی پدیدار شد. برپایی عروس حمام، داماد حمام، ده حمام و سی و چهل زدن از نمونه‌های سنتی و بومی آن به‌شمار می‌آیند.

تبادل اطلاعات و افزایش آگاهی‌های اقشار آبادی در زمینه‌های کشاورزی و دامپروری و پرورش طیور شکل گرفت. مسائل اساسی روستا مانند مسائل ارضی و مرزی و نیز مفاهیم بنیادی مانند سازش و تفاهم یا خشونت و خشم در تسویه حساب‌های خصمانه و اختلافات مالکیتی و ارضی و ارثی در حمام‌ها بروز و ظهور می‌یافت.

از سوی دیگر، جلوه‌های گوناگون جامعه‌پذیری و آشنایی با واقعیات پنهان و آشکار زندگی و شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی در این مکان عمومی تبلور می‌یافت. تداوم آئین جوانمردی در سلوک جوانان در بزرگداشت کهن‌سالان، آموزش‌های فرهنگی و اخلاقی پایداری را در فرهنگ روستا نهادینه می‌کرد و آموزش نسل‌ها را شکل می‌داد. معماری حمام‌ها و جانمایی مکانی برای برپایی نماز، سامانه فرهنگی روستا را تقویت می‌کرد و همسازی معماری حمام‌ها با سنت‌های دینی جامعه را انعکاس می‌داد. مسئله برابری انسان‌ها و فرهنگ پوشیدگی و حجب و حیا از آموزش‌های حمام‌های عمومی به شمار می‌آمد.

سنت خاطره‌گویی در حمام‌ها و انتقال تجربیات مترام سالخوردگان روستا به نسل جوان روستایی از ممیزات حمام‌های این منطقه به‌شمار می‌آید. آوازخانی و موسیقی اصیل سنتی مانند چارپیداری، دشتی و کتولی با مضامین عاشقانه در حمام‌های عمومی تبلور یافت. مضامین آوازها عموماً عاشقانه و برای معشوقی بود که در اندیشه نوازنده و آوازخوان، در صدر حمام نشست. در واقع، این آوازها رنج و گرفتاری گذشته و حال انسان روستایی را انعکاس می‌داد و می‌کوشید حافظه تاریخی و آگاهی نسل جوان روستا را فراهم کند.

نکته پایانی این که حمام‌ها، تغییرات اجتماعی در ایران و تأثیر آن بر روستا را انعکاس می‌داد. مهاجرت جوانان روستا به شهرها و اشتغال به مشاغل فرودست شهری - مانند کارگری یا کارمندی دون پایه ادارات و پیدایش تغییرات فرهنگی و پیشی در آنان دگرگونی در سلوک و

ارزش‌های آنان صورت می‌گرفت. حضور آنان در مکان‌های عمومی روستا مثل حمام‌ها و عدم پایبندی به ارزش‌ها و فرهنگ سنتی روستا و تعارض آنان باشیوه متداول در این مکان‌ها، نوعی از رویارویی سنت و تجرد را در ساخت روستایی منطقه انعکاس می‌داد.

### منابع

ابوسعید ابی‌الخیر (بی‌تا). *اسرار التوحید*. تصحیح شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۳). *التدوین*. تهران: دایره سفید.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۶). *جغرافیای کرمان*. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

پاک‌تن جمشید (۱۳۷۹). *کرمانشاه*. تهران: انتشارات مرکزی سعدی شیرازی، ابو محمد عبدالله بن مشرف (بی‌تا). *بوستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی.

شعبانی، رضا (۱۳۸۲). *تهران: شکیب*.

شهری جعفری (۱۳۴۷). *تهران: امیرکبیر*.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). *شاهنامه*. به کوشش ژول مول، بی‌جا: بی‌نا.

فضل‌الله، رشیدالدین (۱۳۵۶). *وقفنامه ربع رشیدی*، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. بی‌جا: بی‌نا.

قابوس بن وشمگیر، کیکاوس (۱۳۶۸). *قابوس نامه*. اهتمام غلامحسین یوسفی. تهران: علمی فرهنگی.

کرمانی، حاج محمد کریم خان (بی‌تا). *مجمع الرسائل فارسی*. کرمان: چاپخانه سعادت کرمان.

لطیفی شیردار، تقی؛ رزمجو، امین (۱۳۹۱). *بابل کنار*. تهران: نقش گستران بهار.

مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). *حلیه المتقین*. بی‌جا: مطبوعاتی عطایی.

مرعشی ظهیرالدین (بی‌تا). *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*. بی‌جا: بی‌نا.

نجمی، ناصر (۱۳۴۸). *دارالخلافة*. تهران: زوار.

نظام السلطنه مافی، حسین خان (۱۳۶۱). *خاطرات و اسناد*. به کوشش معصومه نظام مافی. بی‌جا: بی‌نا.

نظامی عروضی سمرقندی، علی (بی‌تا). *چهار مقاله*. تصحیح محمد بین عبدالوهاب قزوینی اشراقی، بی‌جا: بی‌نا.

همت کرمانی، محمود (۱۳۵۰). *تاریخ مفصل کرمان*. بی‌جا: فروشگاه همت.